

انتقال (گذار) جمعیتی

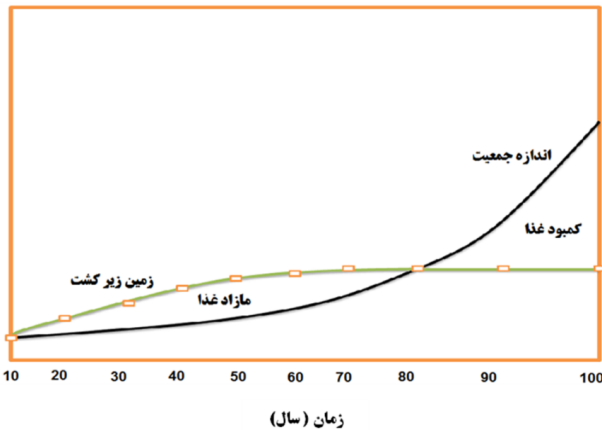
گرفت و کمبود غذا در نهایت به توقف رشد جمعیت منتهی خواهد شد (ویکس. جان، ۱۳۸۵، ص ۳۰) (شکل ۱).

Demographic transition

نظریه انتقال یا گذار جمعیتی، ارتباط تحولات جمعیتی با فرایند نوسازی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را تبیین و ضمن تجزیه و تحلیل گذشته و حال، آینده را نیز پیش‌بینی می‌کند. گذار جمعیتی یک فرایند است و می‌تواند در جوامع مختلف، متفاوت باشد. با بهره‌گیری از این نظریه، امکان پیش‌بینی آینده فراهم می‌شود. آنچه عموماً به‌عنوان نظریه گذار جمعیتی شناخته می‌شود، ناظر بر تغییرات در میزان مرگ‌ومیر و تغییرات باروری پس از آن در روند توسعه است.

در خلال دو سده اخیر، نظریه‌های متعددی در خصوص پدیده گذار و انتقال جمعیتی مطرح شده است. منظور از گذار جمعیتی این است که چگونه جمعیت‌ها از وضعیتی که سطح زاد و ولد و مرگ‌ومیر، هر دو، بالا و در نتیجه رشد جمعیت ناچیز است، به وضعیتی گذر می‌کند که در آن سطح زاد و ولد و مرگ‌ومیر هر دو پایین و باز هم رشد ناچیز است (زنجانی و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۷۱).

یکی از معروف‌ترین صاحب‌نظرانی که محدودیت‌های کره زمین برای تأمین نیازهای فزاینده جمعیت روبه رشد را تبیین کرد، توماس رابرت مالتوس (Thomas Robert Malthus) بود که در سال ۱۷۹۸ در رساله‌ای با عنوان «شرحی درباره اصول جمعیت» مطرح کرد. مالتوس معتقد بود که انسان مانند گیاهان و جانوران به دلیل برخورداری از گزینه قوی تولید مثل، ناچار از افزایش جمعیت است و اگر عوامل بازدارنده در راه رشد جمعیت وجود نداشت، ازدیاد بی‌رویه جمعیت انسان‌ها در طی چند هزار سال میلیون‌ها سیاره را پر می‌کرد. بنابر نظریه مالتوس، فقدان غذا (عامل اصلی بقا) نهایت بازدارنده رشد است. غذا نیز تحت تأثیر مساحت زمین موجود، فناوری به‌کار گرفته شده بر روی زمین برای کشت و کار، و سازمان‌های اجتماعی است. او معتقد بود که جمعیت شتابان‌تر از ذخایر غذایی رشد می‌کند، زیرا جمعیت امکان رشد با تصاعد هندسی دارد، اما تولید غذا تنها به‌صورت تصاعد حسابی افزایش می‌یابد. بنابراین، رشد جمعیت به‌طور طبیعی از ذخایر غذایی پیشی خواهد



نمودار ۱. نظریه گذار جمعیت نسبت به تغییرات اراضی کشاورزی

براساس نظریه مالتوس

ماخذ: ویکس. جان (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات جمعیت، ترجمه دکتر الهه میرزایی، مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

یکی از نخستین نظریه‌های گذار یا انتقال جمعیتی از جانب وارن تامپسون (Warren Thompson) در سال ۱۹۲۹ پرداخته شد. این نظریه گذار از میزان زاد و ولد و مرگ‌ومیر زیاد به کم را تشریح می‌کند؛ وقتی وی داده‌های چند کشور را از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۹ جمع‌آوری و تحلیل کرد، نظریه خود را عرضه کرد. او نشان داد که براساس الگوهای رشد جمعیت، کشورها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

گروه اول. اروپای شمالی و غربی و ایالات متحده آمریکا؛ از اواخر سده نوزدهم تا ۱۹۲۷، میزان بالای رشد جمعیت در این کشورها دستخوش افت دامنه‌داری شد و خیلی زود به مرحله تثبیت رسید و سرانجام شروع به کاهش خواهد کرد.

گروه دوم. ایتالیا، اسپانیا و اسلاوهای اروپای مرکزی؛ در این کشورها اگرچه نرخ زاد و ولد و مرگ‌ومیر کاهش خود را آغاز کرده بود، اما به‌نظر می‌رسد که برای مدتی میزان مرگ‌ومیر با همان شتاب، و یا حتی سریع‌تر از نرخ زاد و ولد، کاهش یابد. شرایط کشورهای یاد شده در گروه دوم مشابه شرایط سی تا پنجاه سال پیش کشورهای گروه یک

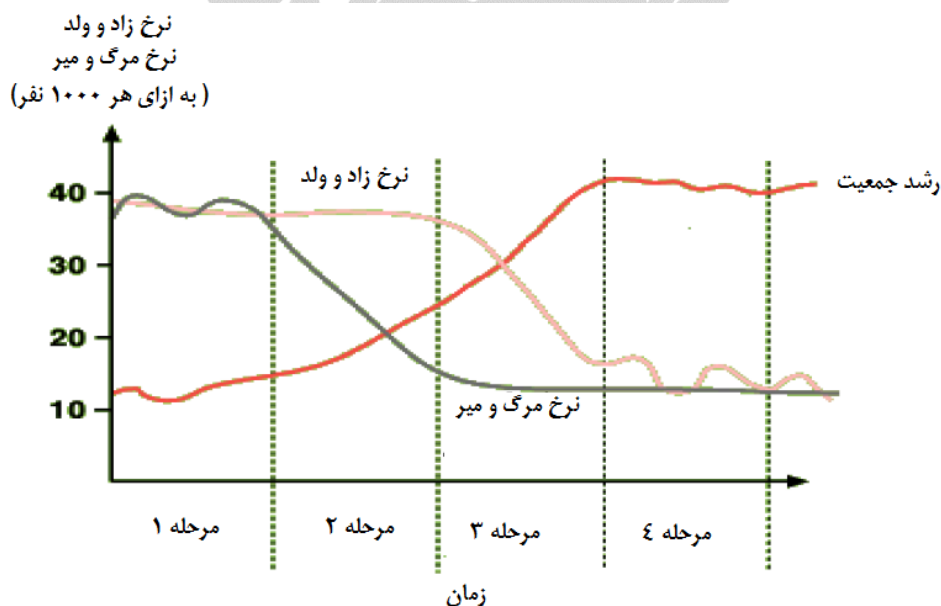
است.

گروه سوم. بقیه کشورهای جهان. در بقیه کشورهای جهان اطلاعات چندانی در مورد نرخ زاد و ولد و مرگومیر وجود نداشت (ویکس. جان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱).

این نظریه که به وضعیت گذار جمعیتی جوامع انسانی می‌پردازد، بعدها به دست بلاکر و سایرین در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۷ تعمیم داده شد. البته باید توجه کرد که این نظریه علی‌الاصول تغییرات و تحولات جمعیتی جوامع غربی را توصیف می‌کند، و به همین دلیل، و علی‌رغم تأثیر آن بر دیدگاه‌های کنونی جمعیت‌شناختی، تنها به عنوان توصیفی از تغییرات جمعیت‌شناختی جوامع پیشرفته صنعتی، به‌ویژه توصیف انتقال از نرخ بالای زاد و ولد و مرگومیر به نرخ پایین زاد و ولد و مرگومیر، مطرح است و نمی‌توان آن را به گذار جمعیتی جوامع در حال توسعه و کمتر توسعه یافته

تسری داد (ویکس، ۲۰۰۲، ص ۱۹۰).

یکی دیگر از معروف‌ترین نظریه‌های گذار جمعیتی را تودارو (۱۹۸۹) تدوین و عرضه کرده است. به بیان ساده، نظریه تودارو چهار مرحله را برای پویایی و گذار جمعیتی معرفی می‌کند. در مرحله اول، نرخ زاد و ولد و مرگومیر بالاست؛ بنابراین نرخ رشد جمعیت پایین است. در مرحله دوم، افزایش درآمدها باعث بهبود تغذیه و بهداشت عمومی می‌شود و در پی آن نرخ مرگومیر ناخواسته کاهش می‌یابد و فشار اندکی برای کنترل جمعیت خانوارها پدیدار می‌شود. بنابراین مشخصه مرحله دوم افزایش سریع جمعیت است. در مرحله سوم، «نظریه گذار جمعیتی نیروهای اقتصاد»، نرخ باروری جمعیت را کاهش می‌دهد. این نیروها شامل هزینه‌های رو به افزایش بارداری و نگهداری از نوزادان، کاهش منابع در خانوارهای بزرگ، هزینه‌های سنگین‌تر



نمودار ۲. نظریه گذار جمعیتی تودارو

ماخذ: پرمن. راجر، یوما، جیمز مک گیل ری (۱۳۸۲)، اقتصاد محیط زیست، ترجمه حمید رضا ارباب، انتشارات نشر نی

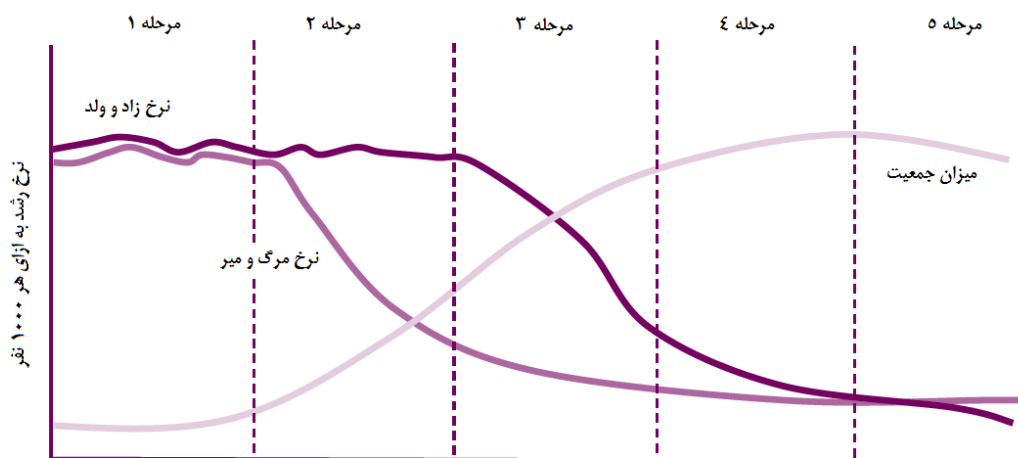
دهند (چیویان و همکاران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰-۱۳۹).
بلاکر (C.P. Blacker) یکی از نظریه‌پردازان جمعیت‌شناسی، در سال ۱۹۴۷ گذار جمعیتی را به پنج مرحله به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌کند (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۴-۱):

۱. مرحله ثبات و سکون جمعیتی که در آن نرخ مرگ‌ومیر و باروری هر دو بالا و میزان رشد جمعیت اندک است؛
۲. مرحله آغاز بسط و توسعه جمعیتی که طی آن میزان مرگ‌ومیر به تدریج رو به کاستی می‌گذارد ولی نرخ زاد و ولد بالاست و به سرعت بر نرخ رشد جمعیت افزوده می‌شود؛
۳. مرحله پایان بسط و توسعه جمعیتی، که باروری نیز به تدریج رو به کاهش می‌گذارد ولی نرخ مرگ‌ومیر کماکان پایین‌تر از باروری و رشد جمعیت همچنان شتابان است؛
۴. مرحله ثبات و سکون مجدد که نرخ مرگ‌ومیر و باروری هر دو به سطح پایینی می‌رسند و رشد جمعیت اندک است؛
۵. مرحله پنجمی که بلاکر مطرح کرده، «سقوط جمعیتی» است. در این مرحله، نرخ زاد و ولد و مرگ‌ومیر هر دو در سطح پایین‌اند ولی از لحاظ ساختار سنی سالخورده جمعیت، نرخ کلی مرگ‌ومیر بیشتر از نرخ کلی زاد و ولد و نرخ رشد جمعیت منفی است (شکل ۳).

اشتغال در خانه، افزایش سواد و آگاهی زنان و نیز افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی است. در مرحله چهارم، سرانه درآمد افزایش می‌یابد و نرخ مرگ‌ومیر و زاد و ولد تقریباً با یکدیگر برابر و منجر به برقراری جمعیت پایدار و بدون تغییر می‌شود (پرمن و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰) (نمودار ۲).

در این نظریه تلاش می‌شود با روشی ساده تحولات واقعی جمعیت در طول زمان تشریح شود. این نظریه پویایی‌های جمعیتی را برای بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تبیین می‌کند. اما قادر به تبیین تحولات جمعیتی کشورهای در حال توسعه و فقیر نیست. زیرا در مورد بسیاری از کشورهای در حال توسعه فعلی، مرحله دوم به‌عنوان پیامد افزایش درآمد حقیقی محقق نشده است، و به‌جای آن انتقال دانش و فناوری صورت گرفته است. به‌ویژه، بهبود شاخص‌های بهداشت عمومی و بهره‌گیری از روش‌های کنترل بیماری با نرخ شتابانی مشاهده شده است. این موضوع باعث شده است کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته در زمان کوتاه‌تری مراحل یادشده را طی کنند و نرخ مرگ‌ومیر با سرعت زیادی در این کشورها حادث شود (پوراصغر سنگاچین و همکاران، ص ۸۶-۸۵).

البته، لستر براون به این نکته توجه کرد که در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته، پس از مرگ‌ومیر، کاهش باروری پیش نمی‌آید. او اصطلاح دام جمعیتی (Demographic Trap) را برای توصیف شرایطی که در آن نرخ باروری در دومین مرحله انتقال کاهش نمی‌یابد و رشد جمعیت با نرخ بالا ادامه می‌یابد، به کار برده است. هنگامی که چنین پدیده‌ای رخ می‌دهد، رشد جمعیت مانع می‌شود کشورهای در حال توسعه بتوانند به پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی، که برای کاهش نرخ زاد و ولد ضروری است، دست یابند و در نتیجه نمی‌توانند رشد جمعیت خودشان را کاهش



نمودار ۳. گذار جمعیتی پنج مرحله ای بلاکر

Source: Royal Geographical Society,(2016), The Demographic Transition Model available at: www.rgs.org/school

دانشنامه نگاری

کتاب‌شناسی:

زنجانی، حبیب‌الله و دیگران؛ جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران، نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۷۸، چاپ دوازدهم، ص ۷۱.
ویکس. جان (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات جمعیت، ترجمه دکتر الهه میرزایی، موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی
پرمن. راجر، یوما، جیمز مک گیل ری (۱۳۸۲)، اقتصاد محیط زیست، ترجمه حمید رضا اریاب، انتشارات نشر نی
پورا صغر سنگاچین. فرزام، فاطمه غفاری رهبر، محمد حسین آبادی (۱۳۸۴)، توسعه پایدار، مبانی و شاخص‌های پایداری، انتشارات علم کشاورزی

5. Royal Geographical Society,(2016), The Demographic Transition Model available at: www.rgs.org/school
6. Weeks, John;(2002), population: an Introduction to Concepts and Issues, New York, Wadsworth publishing company, , Seventh Edition, P190

فرزام پورا صغر سنگاچین